

نقد شبهه دلالت مولی در حدیث غدیر از نظر علمای لغت و شیعه

سکینه احمد^۱

چکیده:

شیعیان با پیروی از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم، بر این عقیده هستند که طبق آیه مبارکه ابلاغ، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم مامور بود که ولایت، امامت علی علیه السلام به تمامی مسلمانان ابلاغ نماید و این وظیفه را در روز غدیر با ابلاغ حدیث غدیر انجام داد. با وجود آن که بنابه نقل های تاریخی مردم در عید غدیر از کلام حضرت رسول ولایت امیرالمومنین را درک کرده و با ان حضرت بیعت کردند، بعدها عده ای از علمای اهل تسنن با انکار دلالت حدیث غدیر بر امامت امام علی علیه السلام واژه مولی در این حدیث را دال بر ولایت ایشان ندانستند. این مقاله بعد از تبیین شبهه عدم دلالت واژه توسط علمای اهل تسنن، به نقد آن بوسیله نظر لغت شناسان و علمای شیعه می پردازد. نتیجه آن که علیرغم ادعای علمای اهل تسنن به عدم دلالت لفظ مولی به اولی، بسیاری از لغت شناسان سرشناس واژه را به همین معنا می دانند و علمای شیعه نیز با تکیه بر نظرات آنان و ارائه دلایل دیگر ولایت امام علی علیه السلام را اثبات می کنند.

کلیدواژه ها : حدیث غدیر، کلمه مولی، مولی، اولی به تصرف.

^۱ طلبه کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه واحد اشتیان. کد ۱۵۹۷۷۰۶

مقدمه:

حدیث غدیر از احادیثی است که تواتر آن را بزرگان و دانشمندان علم رجال و حدیث اهل سنت تایید کرده‌اند، بنابراین نمی‌توان در اصل صدور آن تردید کرد، اما این که منظور رسول خدا صلی الله علیه و آل وسلم از جمله من کنت مولاة فعلی مولاة ولایت و امامت امیر المومنین علیه السلام بوده و یا صرف محبت و دوستی آن حضرت، بحثی است که به شکلی مستمر عالمان شیعه و سنی وجود داشته است.

شیعیان با پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آل وسلم، بر این عقیده هستند که طبق آیه مبارکه ابلاغ، رسول خدا صلی الله علیه و آل وسلم مامور بود که ولایت، امامت علی علیه السلام به تمامی مسلمانان ابلاغ نماید. آن حضرت نیز بنابر وظیفه ای که داشت، با ابلاغ خطبه غدیر، این وظیفه مهم را به انجام رساند، اما از آن طرف پیروان مکتب خلفا معتقدند که هدف حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آل وسلم فقط محبت و دوستی آن حضرت بوده و جمله من کنت مولاة فعلی مولاة نمی‌تواند ولایت و امامت علی علیه السلام را ثابت کند و برای نظر خودشان دلایلی می‌آورند. این مقاله سعی می‌کند که با مراجعه به منابع شیعه و اهل سنت و بیان اقوال و دلایل آن‌ها به بررسی و تحلیل این نظرات پرداخته و بهترین نظر را برگزیند.

تبیین شبهه در معنای کلمه مولی از نظر اهل سنت

برخی از علمای مشهور اهل سنت برای رد دلالت حدیث غدیر بر ولایت امام علی علیه السلام در معنای کلمه مولی اشکال ایجاد می‌کنند. به نظرات برخی از آنان اشاره می‌شود.

۱. شهاب الدین آلوسی

شهاب الدین آلوسی می‌نویسد که روش استدلال شیعه به خبر (من کنت مولاة فعلی مولاة) این است که مولی به معنای اولی به تصرف است و اولویت به تصرف همان امامت است. روشن است که نخستین اشتباه شیعیان در این استدلال گرفتن مولی به معنای اولی است، در حالی که تمام لغت‌شناسان آن را انکار کرده‌اند

و بلکه گفته اند : صیغه مفعول هیچگاه به معنای افعال نمی آید. این مسأله را کسی دیگری جایز ندانسته غیر از ابو زید لغوی که استناد کرده به سخن ابو عبیده که در آیه (هی مولاکم) گفته به معنای اولیکم است.^۱

۲. قاضی عضدالدین ایجی

حتی اگر به پذیریم که این حدیث صحیح نیز باشد، اکثر راویان، مقدمه حدیث یعنی جمله «الست اولی بکم من انفسکم» را نقل نکرده‌اند، پس امکان ندارد به آن تمسک کنیم و بگوییم که مولی به معنای اولی است، بلکه مولی به معنای ناصر است به دلیل آخر حدیث که فرمود: «وال من والاه...»^۲

۳. فخر رازی

فخر رازی برای رد دلالت حدیث غدیر بر خلافت حتی نظر لغت شناسان را هم رد می کند و می نویسد: « اینک از ائمه لغت نقل کرده‌اند که واژه (مولی) به معنای (اولی) و سزاوار تر است، نمی تواند برای آنان دلیل باشد، زیرا این قبیل نقل ها برای اثبات معنای لغوی قابل استدلال نیست، بنابر این باید بگوییم: ابو عبیده اگر چه در تفسیر آیه (و ما واکنش النار هی مولاکم) و جایگاهتان آتش است و همان سرپرستان می باشد، گفته است (معناه : هی اولی بکم) معنای آیه مبارکه این است: آتش سزاوارتر به شماست و اخفش و زجاج و علی بن عیسی نیز آن را ذکر کرده و برای اثبات آن به شعر لبید استشهد کرده‌اند، لکن آنان در این سخن تساهل و تسامح کرده و از روی تحقیق سخن نگفته اند، زیرا بزرگان لغت همچون خلیل، این معنا را جز در تفسیر این آیه و آیه دیگر، ان هم مرسل و بدون سند، ذکر نکرده اند، و آن در کتب اصلی لغت یاد نکرده‌اند.»^۳

نقد شبهه با بیان لغت شناسان مشهور درباره واژه مولی:

^۱ آلوسی، شهاب الدین، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ۶، ص ۱۹

^۲ ایجی، عضدالدین، المواقف، ج ۸، ص ۳۶۱.

^۳ رازی شافعی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر او مفاتیح الغیب، ج ۲۹، ص ۴۵۹.

همان طور که اشاره شد علمای اهل سنت لفظ مولی را به معنای ولی نمی دانند و با این دلیل، حدیث غدیر را سند ولایت امام علی نمی دانند. در حالی که بسیاری از لغت شناسان سرشناس مولی را به معنای اولی می دانند که به نظر برخی از آنان اشاره می شود.

۱. فراء

فراء از کسانی است که مولا را به معنای اولی می دانند. او اهل کوفه بود که به بغداد آمد و آثارش را در موضوع علوم و معانی القرآن در همین شهر یدیدار کرد، از ابوالعباس ثعلب نقل است که گفت: اگر فراء نبود ادبیات عرب نابود می شد. چون او بود که آن خالص نگه داشت و نوشت، اگر فراء نبود ادبیات عرب طرف ما اهلان رو به نابودی می گذاشت. چون هر کس به اندازه درک و فهمش از آن می گفت و می نوشت.^۱ فراء از بزرگترین و با ارزش ترین شاگردان کسائی است که در دانش نحو و لغت سر آمد کوفیان و نسبت به فنون ادبیات عرب دانا ترین است.^۲

۲. ابو عبیده

ابو عبیده از بصریان و لغت شناس و حافظ (کسی که احادیث فروانی حفظ باشد)، دارای آثار علمی است. جاحظ درباره او گفته: در روی زمین کسی آگاه تر از ابو عبیده به همه دانش ها نبوده است.^۳ ابو عبیده در کتاب مجاز القرآن درباره معانی کلمه مولا در آیه (هی مولاکم) می گوید: این مولای شما است، یعنی اولی و برتر است به شما.^۴

۳. ابو بکر انباری

^۱ بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۱۵۴

^۲ یافعی، عبد الله بن أسعد، مرآة الجنان و عبارة الیقظان، ج ۲، ص ۲۹

^۳ ذهبی، شمس الدین محمد، تکرر الحفاظ، ج ۱، ص ۲۷۲

^۴ تیمی، ابو عبیده معمر بن المثنی، مجاز القرآن، ج ۲، ص ۲۵۴

ابن انباری امام و لغت شناس و آشنا به همه دانش ها بود، در کودکی از افراد زیادی کسب دانش نمود، گفته شده است: حافظ سه هزار شعر بود که برای مفاهیم قرآن از آن استفاده کرد. محمد بن جعفر تیمی درباره وی گفته: در قدرت حافظه و دانش فراوان کسی مانند او ندیدیم، و شنیدیم که گفته است: سیزده صندوق کتاب را حافظم، که از جمله محفوظاتش صد و بیست تفسیر با سند آن است. خطیب درباره وی گفته است: ابن انباری راستگو دیندار و از اهل سنت بود، در دانش قرآن، و رشته های سخت علمی و وقف آثاری بر جای گذاشت. دیگران درباره وی گفته اند: ابن انباری از دانشمند ترین مردم و برترین آنان در دانش نحو و لغات فراوانی را حافظ بود، او دانشش را از ثعلب گرفت و دیگران را از او.^۱

ابو بکر انباری گفته: مولی به معانی اولی است، و این فرمایش خداوند (النار هی مولاکم)، یعنی نار اولی است برای شما. در شعر لبیده هم به معانی اولی آمده است: دو گروه متخاصم گمان بردند که ترسناک تر و سزاوار تر برای ترس و وحشت پشت سرو روبرو است.^۲

۴. دقیق نحوی

دقیق نحوی، ادب شناسی است که از اسماعیل زیات و عبد الله بن بری و شیرین بن علی و دیگران استفاده برده است و برای مدتی همنشین رابن- بری برای استفاده در علم نحو شد، و در نحو و عروض و رقائق و غیر آن کتاب نوشت.^۳ وی نیز که از بزرگان علم لغت در قرن هفتم به شمار می ورد، تصریح می کند که مولی به معانی اولی می آید و می گوید: خداوند فرمود: جایگاه شما آتش است، یعنی آتش اولی و برتر است برای شما.^۴

۵. ابن منظور

^۱ ذهبی شمس الدین محمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۲۷۴

^۲ ابن انباری، محمد بن قاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، ج ۱ ص ۱۲۵

^۳ ذهب شمس الدین، تاریخ الاسلام و وفیون المشاهیر و لاعلام، ج ۴۴ ص ۱۹۷

^۴ دقیق نحوی، سلیمان بن بنین، اتفاق المبانی و افتراق المعانی، ج ۱، ص ۱۳۸

سیوطی در شرح حال ابن منظور (متوفای ۷۱۱ه) می نویسد: ابن منظور صاحب کتاب لسان العرب در لغت است، وی از چندین کتاب بهره برد، و عمرش را در نویسندگی گزاراند و قاضی شهر طرابلس شد، وی مقامی والا داشت و در ادب عربی برتر بود و بسیار زیبا می نوشت، آشنا به دانش نحو، لغت، تاریخ و نویسندگی بود.^۱

ابن منظور مصری که در کتاب لسان العرب او از برترین کتاب‌های لغت به شمار می رود، با استشهاد به شعر معروف لبید تصریح می کند که (مولی) در این شعر به معانی (اولی) است. در شعر لبید: از مولی الفخافه این چنین قصد شده است که: سزاوارتر و برترین مکان که در آن جنگ خواهد بود، پشت سرو روبرو است.^۲ بنابه آنچه گذشت بسیاری از علمای سرشناس لغت دان و نحوی که شهرت آنان در علم لغت بسیار زیاد است، کلمه مولی را به معنای اولی گرفته اند. با این وجود باعث تعجب است که برخی علمای اهل سنت این نظرات را رد کرده و آن را با دلایل غیر معتبر، مورد بی توجهی قرار می دهند.

پاسخ به شبهه معنای کلمه مولی از نظر علمای شیعه

بسیاری از علمای شیعه با تکیه بر نظرات لغت شناسان مشهور و ارائه دلایل مختلف تاریخی و روایی به شبهه اهل سنت درباره دلالت کلمه مولی پاسخ داده و حدیث غدیر را دلیل ولایت امام علی علیه السلام می دانند. به نظرات برخی از آنان اشاره می شود.

۱. شیخ صدوق:

شیخ صدوق درباره حدیث غدیر می فرماید: هیچ عبارتی را نمی شناسم که به اندازه فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر معنای فرض الطاعه تاکید کند (آنجا که فرمودند) الست اولی بالمومنین من انفسهم آیا من نسبت به مومنان از خودشان سزاوار تر نیستم؟ سپس فرمودند فمن کنت مولاه فعلی مولاه

^۱ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة، ج ۱، ص ۲۴۸

^۲ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۱۰

پس هر که من مولی و صاحب اختیار اویم علی مولی و صاحب اختیار اوست. زیرا فمّن کنت مولاه به این معنای که هر کس من از خودش به او سزاوار ترم پس با توجه به آنچه گذشت و (نیز با توجه به) بیان معنای این فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: آیا من نسبت به شما از خودتان سزاوار تر نیستم لازم می آید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (حق) و جوب اطاعت مردم را به علی علیه السلام تملیک کند و نیز لازم می آید از جمله فمّن کنت مولاه چنین اراده کرده باشند که هر کس من مالک پی روی او هستم پس علی علیه السلام مالک پی روی اوست. به واسطه این قول که فرمودند پس علی علیه السلام مولی اوست. و این سخن واضح است خداوند را به خاطر یاری و اعطای توفیقش سپاس^۱

باین ترتیب مرحوم شیخ صدوق حدیث غدیر را بالا ترین تأکید بر معنای (فرض الطاعه) امامت الهی معرفی می کند. بر اساس بیان ایشان (مولی) به معنای (اولی به تصرف) و کسی است که صاحب اختیار مردم بوده و حق امر و نهی بر ایشان دارد و چون مردم در اطاعت، مملوک (مولی) هستند اطاعت (مولی) واجب است. در نتیجه مولی به معنای مفترض الطاعه و صاحب امر و نهی است.

۲. شیخ مفید

مرحوم شیخ مفید نیز در موارد متعدد و آثار گوناگون خویش، بر این نکته اصرار دارد که معنای مولی مفترض الطاعه بوده و حدیث غدیر بیانگر مقام (فرض الطاعه) و امامت الهی است.

ایشان در الافصاح می نویسد: پس به واسطه آن (خبر غدیر) حقیقت ولایت را به علی (ع) عطا کرد، و با این حدیث شباهت ایشان را به خدا در وجوب طاعتی و (حق) امر و نهی مردم آشکار نمود..... و این نصی بر امامت است و کسی که نعت بفهمد در معنای آن شک نمی کند.^۲

شیخ مفید در الارشاد می فرماید: ولایت و وجوب طاعتی را که خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر مردم داشت برای علی علیه السلام نیز ثابت کرد....

^۱ شیخ صدوق، معانی الاخبار، ج ۱، ص ۱۷۳

^۲ شیخ مفید، الافصاح فی الامامه، ج ۱، ص ۳۳

و این (حدیث) نیز نصب روشن بر امامت و استخلاف علی علیه السلام در مقام (امامت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) است.

۳. ابوالفتح کراچی

ابوالفتح کراچی هم در اثبات اینکه معنای مولی امام است، به قول اهل لغت استشهاد می کند و می فرماید: اما دلیل اینکه از لفظ ولی معنای امامت و ریاست بر امت استفاده می شود آن است که اهل لغت را چنین یافتیم که کسی را با این لفظ توصیف نمی کنند، مگر اینکه مالک تدبیر بر امور وصف شده باشد، زیرا او نسبت به آن و تصرف در آن سزاوارتر است و مولی نسبت به عبد خود، اولی به تصرف است.

پس ایشان را مولی کسی می داند که اولی به تصرف بوده و امر و نهی اش نافذ باشد. ایشان همین درباره آیه شریفه النبی اولی بالمومنین من انفسهم می نویسد: مفسران اجماع دارند که آیه شریفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مومنان نسبت به خود شأن سزاوارتر است. مراد خدای تعالی آن است که بر پیامبر اسلام (ص) بر تدبیر و قیام به امور مردم سزاوارتر است: از آن نظر که اطاعت بر ایشان واجب است، و هیچ عاقلی در این شک نمی کند که هر کس به تدبیر خلق و امر و نهی بر ایشان سزاوارتر از همه آنان باشد امامی است که اطاعت بر ایشان واجب است...^۱

۴. شیخ طوسی

ایشان مولی را به معنای اولی می داند و اولی بودن را از حیث وجوب طاعت معرفی می کند. ایشان همچنین بر این موضوع که حدیث غدیر بیانگر مقام امامت الهی و فرض الطاعه است، به فهم مخاطبان حدیث غدیر استشهاد می کند. پس از اثبات اینکه مولی به معنای اولی به تصرف است، می فرماید: وقتی ثابت شد که معنای حدیث شریف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند (من کنت مولاه) یعنی کسی که من اولی به تصرف در امور او هستم و او از این نظر که اطاعت بر ما واجب است اولی به ما بود. امتثال او امر و نواهی او بر ما واجب می شود. همچنین از ادله دیگری که دلالت می کند مراد از مولی در حدیث غدیر

^۱کراچی، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۲۳۰

،امامت و فرض الطاعه است همان چیزی است که ثابت من کند گروه زیادی از علمای صحابه از آن ،حدیث امامت را فهمیده‌اند.

نتیجه گیری

بنابه آنچه گذشت علیرغم ادعای علمای اهل تسنن از جمله فخر رازی، آلوسی و ایجی به عدم دلالت لفظ مولی به اولی، بسیاری از لغت شناسان سرشناس مثل ابو عبیده ، فراء ، قول ابو بکر انباری، دقیق نحوی، ابن منظور واژه را به همین معنا می دانند و علمای مشهور شیعه مانند شیخ مفید، شیخ طوسی، شیخ صدوق و ابوالفتح کراجی نیز با تکیه بر نظرات آنان و ارائه دلایل دیگر ولایت امام علی علیه السلام را اثبات می کنند.

منابع:

۱. خطیب بغدادی، احمد بن علی، بیروت، ناشر دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ هجری قمری.
۲. یافعی، عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفه ما یعتبر من حوادث الزمان ، بیروت، ناشر دار الکتب العلمیه، بی چا، سال ۱۴۱۷
۳. ذهبی، شمس الدین محمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت، ناشر دار الکتب العلمیه، بی چا، بی تا.
۴. سیوطی، عبدا الرحمن بن ابی بکر، بیروت، ناشر دار الفکر، بی چا، بی تا.
۵. ابو عبیده، معمر بن مثنی، محقق سزگین، فواد ، بیروت، ناشر مؤسسه الرساله ، سال ۱۴۰۱ هجری قمری.
۶. ابن انباری، محمد بن قاسم، بیروت، ناشر دار الکتب العلمیه، سال ۱۴۰۴ هجری قمری.
۷. نحوی، سلیمان بن بنین ، محقق جبر، یحیی عبدالرؤوف، عمان، ناشر دار عمار، سال نشر: ۱۴۰۵ هجری.
۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، بیروت، ناشر دار الفکر، سال نشر ۱۴۲۶ هجری .
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم ، بیروت، ناشر دار احیاء التراث العربی ، سال نشر ۱۴۰۸ هجری

- ۱۰. حسینی میلانی، سید علی، نفحات الأزهار فی خلاصه عبقات الأنوار للعلم الحجة آیه الله السید حامد حسین اللکهنوی، قم، ناشر مرکز الحقائق الاسلامیه، بی چا، ۱۴۲۶ هـ
- ۱۱. آلوسی، شهاب الدین محمود بن عبد الله الحسینی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، محقق علی عبد الباری عطیة، بیروت، ناشر دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ
- ۱۲. نصیبی، محمد بن طلحه، مطالب السؤل فی مناقب ال الرسول علیهم السلام، ناشر موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (علیهم السلام)، بی چا، بی تا.
- ۱۳. حسنی، عبدالحی، نزهة الخواطر وبهجة المسامع والنواظر، بیروت، ناشر دار ابن حزم، چاپ اول، بی چا، سال نشر ۱۴۲۰ هـ
- ۱۴. ابن بابویه، محمد بن علی، محقق محمدی شاهرودی، عبدالعلی، تهران، ناشر دار الکتب الإسلامیة، بی چا، سال نشر ۱۳۷۷ هـ
- ۱۵. مفید، محمد بن محمد، قم، ناشر المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید، بی چا، سال نشر ۱۴۱۳ هـ
- ۱۶. کراجکی، محمد بن علی، قم، ناشر دار الذخائر، بی چا، سال نشر ۱۴۱۰ هـ